

## اسلام و عدالت جنسی

مهدی شاپوری<sup>۱</sup>

### چکیده

برخی‌ها بر این باورند که اسلام آیینی مبتنی بر تبعیض جنسی است. در این مقاله با بررسی مهم‌ترین مصادیق مرتبط با عدالت جنسی و تبیین نظرات اسلام در این مورد، به تحقیق و تفحص در باب این ادعا می‌پردازیم. فرضیه مقاله این است که دین اسلام عدالت را در تفاوت و نه تشابه جنسی می‌بیند. در دین اسلام، عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیزی در جای خود است. در راستای این تعریف، برابری به معنای تشابه حقوقی و اجتماعی مرد و زن نه عدالت، بلکه عین بی‌عدالتی است. با این زاویه دید، دین اسلام مدعای واقع‌نگری و در نظر گرفتن شرایط و واقعیات اجتماعی در زمینه حقوق زن و مرد را دارد. در آیین اسلام، اعتقاد بر این است که زن و مرد از "نفس واحدی" آفریده شده‌اند و دارای امتیازات تشریحی و تکوینی یکسانی هستند، یعنی به لحاظ انسان بودن و ارزش انسانی هیچ تمایزی میان این دو جنس وجود ندارد. اما این تساوی ذاتی و انسانی موجب انکار تفاوت‌ها و ویژگی‌های عَرَضی میان آن‌ها نمی‌شود.

### واژه‌های کلیدی: اسلام، عدالت، جنسیت، تشابه، تفاوت

### مقدمه

در جوامع امروزی دو رهیافت متضاد در نگاه به جنسیت وجود دارد؛ یکی رهیافت فمنیستی است که طرفداران آن عدالت جنسی را در تساوی و تشابه حقوقی و اجتماعی بین زن و مرد می‌بینند. و دیگری رهیافت تفکیک جنسی است که عدالت جنسی را در تفاوت حقوقی می‌بیند. نظر دین اسلام به دیدگاه دوم نزدیک‌تر، اما کامل‌تر است. از منظر دین اسلام تساوی زن و مرد در اکثر زمینه‌ها پذیرفته شده، اما تشابه خیر. اسلام

<sup>۱</sup>. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل - دانشگاه تربیت مدرس، shapouri۲۶۷۱@gmail.com



تشابه حقوقی و اجتماعی بین زن و مرد را نوعی بی‌عدالتی می‌داند، چون بقول مولای متقیان علی (ع) عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیزی سر جای خود می‌باشد.

امروزه شاهدیم که در بسیاری از جوامع و کشورهایی که آزادی زن شعارشان است به واقع زنان در بند هستند و این ما را یاد سخن ویل دورانت می‌اندازد که می‌گوید: "اگر فرض کنیم در سال ۲۰۰۰ مسیحی هستیم و بخواهیم بدانیم که بزرگ‌ترین حادثه ربع اول قرن بیستم چه بوده است، متوجه خواهیم شد که این حادثه، جنگ و یا انقلاب روسیه نبوده، بلکه همانا دگرگونی وضع زنان بوده است. تاریخ چنین تغییر تکان دهنده‌ای در مدتی به این کوتاهی کمتر به خود دیده است و خانه مقدس که پایه نظم اجتماعی ما بود، شیوه زناشویی که مانع شهوترانی و ناپایداری وضع انسان بود، قانون اخلاقی پیچیده‌ای که ما را از توحش به تمدن و آداب معاشرت رسانده بود همه آشکارا در این انتقال پرآشوبی که همه رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را فرا گرفته است گرفتار گشته‌اند." «استاد مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام (ص ۳۷) به نقل از ویل دورانت»

به نقل از ویل دورانت، زن در جوامع اولیه انسانی منزلتی نداشت و با او مانند بردگان رفتار می‌شد. از نظر جوامع و انسان‌های اولیه زن حیوانی بود که می‌توانست روزانه ساعات زیادی به انجام کارهای دشوار بپردازد. زن همانند غلام و کنیز خرید و فروش می‌شد و هنگام وفات شوهر در ردیف دیگر اموال او به ارث گرفته می‌شد. در بعضی از مناطق، زن را خفه می‌کردند و همراه شوهر در گور می‌گذاشتند و یا از او می‌خواستند که خود را بکشد تا در حیات آن جهان به خدمت شوهر درآید. مرد خانواده حق داشت با زن و فرزند خود هرطور که می‌خواهد رفتار کند، آنان را بفروشد یا کرایه دهد. (حیدری، ۱۳۸۳: ۱۸) در واقع فرهنگ‌های منحط و آداب و رسوم غلط در جوامع اولیه بشری انواع ظلم و جور و سختی را بر زنان تحمیل کرده و آنان را به استثمار کشیده‌اند. دختران را زنده می‌کشتند یا به صحرا می‌افکندند و یا به برده‌فروشان می‌دادند.

چینی‌ها خیال می‌کردند خداوند خالق پسران است و شیطان خالق دختران، لذا در نظر آنان پسران با برکت بودند و دختران طوق لعنت. قربانی دوشیزگان برای خدایان در چین مرسوم بوده است. (ربانی خلخالی، ۱۳۹۹ ق: ۲۵-۲۱) یهودیان زن را حیوانی می‌دانستند که بیشتر از دیگر حیوانات به انسان شباهت دارد و در واقع برزخی میان انسان و حیوان به شمار می‌آید. یهوه (خدای یهود) در آخرین بند از فرمان‌های ده‌گانه‌اش که به قول مشهور برای موسی (ع) فرستاده، زنان را در ردیف چهارپایان و اموال منقول قرار داده است. بر این اساس، قوم یهود مانند همه اقوام جنگ‌جو، زن را مایه مصیبت و



بدبختی می‌دانستند و او را فقط به این دلیل تحمل می‌کردند که یگانه منبع تولید سرباز بود. جالب‌تر اینکه مردان یهودی در دعای صبحگاهی، از خداوند تشکر می‌کنند که آن‌ها را زن نیافریده است. در دین تحریف شده یهود، دختر کالایی است که می‌توان آن را در هنگام تنگ‌دستی فروخت. سنت غلط خرید و فروش دختران، در قوم بنی‌اسرائیل رواج زیادی داشته است. (ابراهیمی، ۱۳۸۷)

مسیحیان نیز برای زن ارزش آنچنانی قائل نبوده‌اند. به نظر استاد مطهری، یک فکر بسیار غلط را مسیحیان در تاریخ مذهبی جهان وارد کردند. در مساله زن نداشتن عیسی و ترک ازدواج و مجرد زیستن. (بین) کشیش‌ها و کاردینال‌ها کم‌کم این فکر پیدا شد که اساساً زن عنصر گناه و فریب است، یعنی شیطان کوچک است. مرد به خودی خود گناه نمی‌کند. زن شیطان کوچکی است که همیشه وسوسه می‌کند و مرد را به گناه وا می‌دارد. کشیش‌های مسیحی این تفکر را رواج داده‌اند که اساساً قصه آدم و شیطان و حوا این طور شروع شد که شیطان نمی‌توانست در آدم نفوذ کند، لذا آمد حوا را فریب داد و حوا نیز آدم را فریب داد. و تمام تاریخ به این شکل بوده که شیطان بزرگ زن را، و زن مرد را وسوسه می‌کند. (مطهری، ۱۳۶۸: ۳۲۵) توماس آکویناس، اندیشمند و روحانی برجسته مسیحی معتقد بود که زن با نخستین ویژگی طبیعت یعنی کمال جویی ناسازگار و با دومین ویژگی آن یعنی گندیدگی، فرتوتی و بدشکلی هماهنگ است. (ابراهیمی، ۱۳۸۷) در تمدن هند، در «قانون‌نامه مانو»، از زنان این‌گونه یاد می‌شود: «سرچشمه ننگ، زن است. سرچشمه ستیز، زن است. سر چشمه وجود زیرین، زن است. پس باید از زن پرهیز کرد.» بر اساس همین قانون، زن در تمام عمر باید تحت سرپرستی کسی باشد؛ اول پدر، بعد همسر، بعد پسر و ... (فتاحی زاده، ۱۳۸۷: ۳۸)

در آیین هندو زن را پس از مرگ همسر فدای او می‌کردند و کنار جسد شوهرش می‌سوزاندند و این سنت را «ساتی» نامیده‌اند. (ربانی خلخالی، ۱۳۹۹ ق: ۲۵) در آیین بودایی که از ادیان هندی است، زن چنین توصیف شده است: «زن چون تمساح و نهنگ مخوف و خون‌آشامی است که در رود زندگی منتظر می‌نشیند تا شناوری را شکار خود کند.» در آیین برهمنی نیز زن در بسیاری از امور هم‌مرتبیه "پاریاها"ست (پاریا به کسانی اطلاق می‌شود که از طبقات هندی خارج باشند) که به کلی از جامعه رانده شده و افرادی ناپاک و محروم از حقوق انسانی بودند. (نوری، ۱۳۸۷: ۱۰۸) در ایران باستان نیز زنان از موقعیت مناسبی برخوردار نبوده‌اند. تعدد زوجات جاری و معمول بود و محدود به حدی و شرطی از قبیل عدالت و تساوی حقوق زنان نبود. ازدواج با محارم، سنتی رایج بود. بنا به گفته «یعقوبی» ایرانیان با مادران، خواهران و دختران خود ازدواج می‌کردند و این کار را نوعی صلح‌رحم و عبادت می‌دانستند. اما در اساس این ازدواج‌ها به گونه‌ای مصلحتی و برای این منظور بوده تا مانع اختلاط خون خود و افتادن ثروت خود در اختیار بیگانه بشوند. و چون این عمل بر خلاف مقتضای

طبع بوده، این کار را با زور و قدرت مذهب و اینکه اجر و پاداشش در جهان دیگر عظیم است و کسی که امتناع ورزد جایش در دوزخ است آن را کم و بیش به خورد مردم می‌داده‌اند. ازدواج قباد با دختر یا خواهر زاده، و ازدواج بهرام چوبین با خواهر، و ازدواج مهراں گشنسب با خواهر خود چند مصداق در این زمینه هستند. (مطهری، ۱۳۶۲: ۲۹۴-۲۸۸)

در میان اعراب جاهلی نیز زنان وضعیت نامناسبی داشته‌اند. در دوران جاهلیت عرب، زن با فجیع‌ترین وضع زندگی می‌کرده و مانند کالایی خرید و فروش می‌شده و از هر گونه حقوق اجتماعی و فردی حتی حق ارث محروم بوده است. اعراب جاهلی زن را در شمار حیوانات قرار داده و او را جزء لوازم و اثاث زندگی می‌شمردند. غالباً از بیم قحطی و یا از ترس آلودگی، دختران خود را در روز اول تولد سر می‌بریدند و یا از بالای کوه بلندی به دره عمیقی پرتاب می‌کردند و گاهی در میان آب غرق می‌کردند.<sup>۱</sup> (سبحانی، ۱۳۶۶: ۴۸) نظام ازدواج بدون هیچ اساسی دستخوش میل و اراده مردان بود. و حد و مرزی برای تعداد همسران قائل نبودند. ازدواج با مادر، در صورت طلاق، یا مرگ پدر، اشکالی نداشت. یکی از ازدواج‌های مشهور «نکاح شغار» بود. در این نکاح، ولیّ دختر، او را به ازدواج کسی در می‌آورد و مهر او را نکاح زنی که تحت ولایت فرد مقابل بود برای خود قرار می‌داد. به قسمی که هر یک از زن‌ها صدق دیگری بود مانند عوض کردن حیوانی با حیوان دیگر. (حیدری، ۱۳۸۳: ۲۰) زمانی که دین اسلام ظهور کرد برآستی وضعیت زنان در جامعه عرب اسفناک و شرم آور بود.

نخستین قدمی که پیشوای این دین آسمانی برداشت این بود که اعلام فرمود افراد بشر خواه مرد و خواه زن از نفس واحدی<sup>۲</sup> آفریده شده‌اند. (حقوقی، ۱۳۵۴: ۱۰۸) دین اسلام با در نظر گرفتن شباهت‌ها و تفاوت‌های طبیعی و فطری بین زن و مرد، گام بزرگی در جهت ایجاد عدالت جنسی بین دو جنس مذکر و مؤنث برداشت. البته اینکه می‌گوییم عدالت، به قول رهبر انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای «همه جا به معنای برابری نیست. عدالت، یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. عدالت آن معنایی نیست که در ذهن بعضی از ساده اندی‌شان و آدم‌های کم عمق وجود دارد. شاید حالا هم خیال کنند که همه جامعه باید برداشت یکسان داشته باشند. خیر! یکی کار بیشتری می‌کند، یکی

۱. این عمل زشت در قرآن مجید در آیات ۵۸ و ۵۹ سوره نحل اینگونه بیان شده است: هر گاه، یکی از آنان را به فرزند دختر مژده می‌داند از شدت غم و حسرت رخسارش سیاه شده، سخت دلتنگ می‌شد. وازاین عار، روی از قوم خود پنهان می‌ساخت و به فکر می‌افتاد که آیا آن دختر را با خواری نگهداری کند یا او را زنده به گور کند.

۱. در آیات زیر مخاطبان تمام انسان‌ها اعم از زن و مرد هستند. آیه ۱۳ سوره حجرات: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»، آیه ۲۱ سوره روم: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، سوره نساء آیه ۱: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»، سوره زمر آیه ۶: «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا»، سوره اعراف آیه ۱۸۹: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا» سوره انعام آیه ۹۸: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»، سوره لقمان آیه ۲۸: «مَا خَلَقَكُمْ وَلَا بَعَثَكُمْ إِلَّا كُنُفٍ وَاحِدَةٍ»

استعداد بیشتری دارد، یکی ارزش بیشتری برای پیشرفت کشور دارد. عدالت یعنی بر طبق حق، عمل کردن و حق هر چیز و هر کسی را به او دادن» (بهشتی، ۱۳۸۶) به تعبیر استاد مطهری در دین اسلام «زن از آن جهت که انسان است مانند هر انسان دیگر آزاد آفریده شده است و از حقوق مساوی بهره‌مند است. ولی زن انسانی است با چگونگی‌های خاص و مرد انسانی است با چگونگی‌های دیگر، زن و مرد در انسانیت " برابرند " ولی دو گونه انسان‌اند، با دو گونه خصلت‌ها و دو گونه روانشناسی. این اختلاف ناشی از عوامل جغرافیائی و یا تاریخی و اجتماعی نیست، بلکه طرح آن در متن آفرینش ریخته شده است. طبیعت از این دوگونگی‌ها هدف داشته و هر گونه عملی بر ضد طبیعت و فطرت عوارض نامطلوبی به بار می‌آورد». (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۷-۱۸)

در واقع از نظر قرآن زن و مرد در انسانیت برابرند، ولی از دو گونه خصلت برخوردارند. این دوگانگی از ساختار جسمانی و عاطفی آن دو سرچشمه گرفته است، همان گونه که آزادی و برابری انسان‌ها از طبیعت آن‌ها الهام گرفته، دوگانگی کارآیی و وظایف آن‌ها نیز از ساختمان وجودی آن دو ریشه یافته است. (شرفی، ۱۳۸۷) بنابراین در حالی که اسلام می‌گوید مرد و زن هر دو انسان‌اند. برخی از فمنیست‌ها مثل سیمون دوبوار معتقدند مؤنث بودن مانعی بر سر راه انسان واقعی بودن زن است. (Jardine, de Beauvoir, ۱۹۷۹) اسلام می‌گوید زن و مرد مکمل هم هستند و این یک استدلال کاملاً منطقی است. ولی فمنیست‌ها با حمایت از اعمالی همچون همجنس‌بازی (به مثابه یکی از لوازم حمله به نقش‌های سنتی ناظر به جنسیت) این استدلال ساده و منطقی را رد می‌کنند. اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی، مقام و موقعیت فطری، واقعی و انسانی زن را به اوبرگردانید و زمینه رشد و تعالی او را فراهم کرد. قرآن زن و مرد را بطور یکسان مورد خطاب قرار داده است. آیات زیر این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد:

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ، هر کس، چه مرد و چه زن، از اعمال صالح انجام دهد و ایمان داشته باشد به بهشت داخل می‌شود»<sup>۱</sup>

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً، هر کس، چه زن و چه مرد، عمل صالح انجام دهد در حالی که ایمان داشته‌باشد، او را به حیات پاکیزه زنده گردانیم»<sup>۲</sup>

«آتِي لَأُضِيعَ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ، من اجر هیچ یک از عمل کنندگان شما را، زن یا مرد، ضایع نمی‌کنم»<sup>۳</sup>

۱. سوره نساء، آیه ۱۲۴

۲. سوره نحل، آیه ۹۷

۳. آل عمران، آیه ۱۹۵



## تساوی یا تشابه؟ تبعیض یا عدالت؟

اسلام زنان و مردان را دارای امتیازات تکوینی و تشریحی یکسانی دانسته است. برای مثال تساوی در ماهیت انسانی و لوازم آن، تساوی در راه تکامل انسانی و قرب به خدا و عبودیت، تساوی در امکان انتخاب جناح حق و باطل و کفر و ایمان، اشتراک در اکثر - قریب به اتفاق - تکالیف و مسؤولیت‌ها، استقلال اجتماعی، سیاسی و اعتقادی زنان و حق مشارکت، استقلال اقتصادی زنان، برخورداری مادران از حقوق خانوادگی مساوی با پدران (حق مادر با توجه به زحمات و تکالیف و مسؤولیت‌هایش، گاهی بیشتر است) و ... (حسینی، ۱۳۸۲) همچنین تفاوت‌هایی نیز بین این دو جنس قائل شده که طبیعی هستند و تقریباً اکثر روان‌شناسان نیز به این تفاوت‌ها اعتراف کرده‌اند. برای مثال، پروفیسور «ریک»، روان‌شناس مشهور آمریکایی می‌گوید: «دنیای مرد با دنیای زن به کلی فرق می‌کند. اگر زن نمی‌تواند مانند مرد فکر کند یا عمل نماید، از این روست که دنیای آن‌ها با هم فرق دارد. وی می‌گوید اینکه در تورات آمده " زن و مرد از یک گوشت بوجود آمده‌اند"، درست است. اما با وجودی که هر دو از یک گوشت به وجود آمده‌اند جسم‌های متفاوت دارند. (به نقل از مطهری، ۱۳۶۹: ۲۰۸)

علاوه بر این، احساس این دو موجود، هیچ وقت مثل هم نبوده و نخواهد بود. و هیچ‌گاه به صورت مشابه در مقابل حوادث و اتفاقات، عکس‌العمل نشان نمی‌دهند. زن و مرد بنا به مقتضیات جنسی رسمی، به طور متفاوت عمل می‌کنند و درست مثل دو ستاره، روی دو مدار مختلف حرکت می‌کنند. آن‌ها می‌توانند همدیگر را بفهمند و مکمل یکدیگر باشند ولی هیچ‌گاه یکی نمی‌شوند و به همین دلیل است که زن و مرد می‌توانند با هم زندگی کنند، عاشق یکدیگر شوند و از صفات و اخلاق یکدیگر خسته و ناراحت نشوند. (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۰۹) به تعبیر زیبای استاد مطهری «قرآن زن و مرد را همانگونه دید که در طبیعت هست. از این رو هماهنگی کامل میان فرمان‌های قرآن و فرمان‌های طبیعت برقرار است». (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۶)

گفته شد که از نظر اسلام زن و مرد از نفس واحدی آفریده شده‌اند. بنابراین منطبق و عقل حکم می‌کنند چون از نفس واحدی آفریده شده‌اند، باید دارای حقوق مساوی نیز باشند. اما آیا می‌توان این نتیجه را نیز استنباط کرد که آن‌ها باید حقوق متشابهی داشته باشند؟ فمنیست‌ها به این سؤال جواب مثبت می‌دهند. از نظر این مکتب فکری هدف اصلی از بین بردن همه تفاوت‌های موجود در نقش‌های اجتماعی مبتنی بر تفاوت‌های جنسی است. (لگنهاوزن، ۱۳۸۳: ۲۴) اما اندیشمندان اسلامی در جهتی کاملاً مخالف با این مشی حرکت می‌کنند. استاد مطهری در این رابطه می‌گوید، «شکی نیست که لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت انسانی و برابری آنها از لحاظ انسانیت، برابری آن‌ها در حقوق انسانی است» اما به قول ایشان «تساوی غیر از تشابه است، تساوی برابری است و تشابه یک



نواختی. ممکن است پدری ثروت خود را به طور متساوی میان فرزندان خود تقسیم کند اما بطور متشابه تقسیم نکند. مثلاً به یکی زمین می‌دهد، به دیگری خانه و به آن یکی بنابر استعدادش مغازه (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۴۳-۱۴۴) استاد مطهری در انتقاد از کسانی که تحت تأثیر افکار فمینیستی غربی‌ها تساوی حقوقی بین زن و مرد را با تشابه حقوقی اشتباه می‌گیرند، می‌گوید «نمی‌دانم چرا کار ما که روزی پرچمدار علم و فلسفه و منطق در جهان بوده‌ایم باید به آنجا بکشد که دیگران بخواهند نظریات خود را در باب تشابه حقوق زن و مرد با نام مقدس تساوی حقوق به ما تحمیل کنند» (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۴۵) یا به تعبیری دیگر از ایشان «کلمه " تساوی حقوق " یک مارک تقلبی است که مقلدان غرب بر روی این ره‌آورد غربی چسبانیده‌اند.» (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۵۴)

بطور کلی به تعبیر استاد مطهری «تاریخ از نظر اینکه در ساختن آن، تنها مرد دخالت داشته باشد یا مرد و زن با یکدیگر دخالت داشته باشند، سه گونه می‌تواند باشد. یک تاریخ، تاریخ مذکر است یعنی تاریخی که به دست جنس مذکر به طور مستقیم ساخته شده است و جنس مؤنث هیچ نقشی در آن ندارد. یک تاریخ، تاریخ مذکر-مؤنث است اما مذکر مؤنث مختلط، بدون آنکه مرد در مدار خودش قرار بگیرد و زن در مدار خودش. یعنی تاریخی که در آن این منظومه بهم خورده است، مرد در مدار زن قرار می‌گیرد و زن در مدار مرد. که ما اگر طرز لباس پوشیدن امروز بعضی از آقاها و دختر خانم‌ها را ببینیم، می‌بینیم که چطور این‌ها دارند جای خودشان را با یکدیگر عوض می‌کنند. نوع سوم تاریخ، تاریخ مذکر-مؤنث است که هم به دست مرد ساخته شده است و هم به دست زن. ولی مرد در مدار خودش و زن در مدار خودش. ما وقتی به قرآن کریم مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم تاریخ و مذهب و دین آن گونه که قرآن کریم تشریح کرده است یک تاریخ مذکر مؤنث است... یعنی مذکر و مؤنث هر دو (در ساختن آن نقش دارند)، اما نه به صورت اختلاط بلکه به این صورت که مرد در مقام و مدار خودش و زن در مقام و مدار خودش» (مطهری، ۱۳۶۸: ۳۲۴)

واقعیت این است که آنچه تا اینجا در این مقاله گفته شده، مباحث کلی و نظری بوده و در روشن ساختن موضوع مورد بحث یعنی عدالت جنسی در اسلام چیز زیادی به مخاطب ارائه نمی‌دهد. دلیل اصلی این است که ما در مورد عدالت جنسی بعنوان یک مفهوم کلی بحث کردیم و کمتر به مصادیق آن پرداختیم. در واقع در هر کار تحقیقی، محقق برای روشن ساختن بحث و رسیدن به نتیجه مطلوب نمی‌تواند به مفاهیم کلی اکتفا کند و باید مصادیق مربوط با مفهوم مورد نظر را بررسی کند تا به نتیجه برسد. به همین دلیل در اینجا ما سعی می‌کنیم مهم‌ترین و شبیه بر انگیزترین مصادیق مرتبط با عدالت جنسی در اسلام را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

## مساله ارث

در گذشته و پیش از اسلام، زن از ارث محروم بوده است. چگونگی و مقدار محرومیت و علت آن در جوامع مختلف متفاوت بوده است. برخی برای زن نقشی در خانواده و تولید قائل نبوده‌اند و ارث زن را انتقال ثروت به بیگانه تلقی می‌کرده‌اند. برخی چون برای زن شخصیت حقوقی و استقلال اقتصادی قائل نبوده‌اند او را از ارث محروم می‌داشتند. از آنجا که به طور طبیعی زن نمی‌توانست در امور دفاعی سلاح بردارد، عرب جاهلی او را از ارث محروم می‌دانست. اما با ظهور دین اسلام، خداوند می‌فرماید: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» خداوند به شما درباره فرزندانان سفارش می‌کند سهم پسر برابر با سهم دو دختر است<sup>۱</sup>. با این وجود خیلی‌ها این آیه را نشانه برخورد تبعیض آمیز دین اسلام در رابطه با زن و مرد می‌دانند. آیا این تفاوت قائل شدن بی‌عدالتی است؟ با اندکی تأمل در آموزه‌های اسلام در باب زن و مرد و زمان نزول این آیات، برادر حسان بن ثابت، شاعر معروف زمان پیامبر (ص) در گذشته و از او زنی با چند دختر باقی ماند. اما پسرعموهای او همه دارایی وی را تصرف کردند و چیزی به زن و دختران او ندادند. زن او شکایت نزد رسول اکرم (ص) برد. حضرت آن‌ها را احضار کرد، آن‌ها در محضر پیامبر (ص) گفتند: زن که نمی‌تواند سلاح بپوشد و درمقابل دشمن بایستد، این ما هستیم که باید شمشیر به دست بگیریم و از خودمان و از این زن‌ها دفاع کنیم، پس ثروت هم باید متعلق به مردان باشد. رسول اکرم ضمن رد این استدلال، حکم خدا را به آن‌ها ابلاغ نمود. (مطهری، ۱۳۶۹، ۲۷۹)

اما در مورد عادلانه یا ناعادلانه بودن این بحث امام صادق (ع) فرمودند: این برای این است که اسلام سربازی را از عهده زن برداشته و بعلاوه مهر و نفقه را بنفع او بر مرد لازم شمرده است و در بعضی جنایات اشتباهی که خویشاوندان جانی باید دیه بپردازند زن از پرداخت دیه و شرکت با دیگران معاف است، از این رو سهم زن در ارث از مرد کمتر شده است. بنابراین امام صادق (ع) صریحاً وضع خاص ارثی زن را معلول مهر و نفقه و معافیت از سربازی و دیه شمرده. (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۸۶) علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان (جلد ۴، صفحه ۲۱۵) می‌نویسد: «نتیجه این گونه تقسیم ارث بین زن و مرد آن است که در مرحله تملک، مرد دو برابر زن و در مرحله مصرف همیشه زن دو برابر مرد بهره می‌برد. زیرا زن سهم و دارایی خود را برای خود نگه می‌دارد، ولی مرد باید نفقه زن را نیز بپردازد و در واقع نیمی از دارایی‌های خود را صرف زن می‌کند.»

آیا می‌توان از آیه شریفه فوق استنباط نمود که مرد ارزشش بیشتر از زن است؟ از نظر آیت الله جوادی آملی دو نکته در این مورد اهمیت دارد. اول اینکه اسلام نمی‌فرماید که ثروت و مال، معیار ارزش است

<sup>۱</sup> سوره نساء، آیه ۱۱



و چون زن کمتر ارث می‌برد از ارزش کمتری برخوردار است؛ بلکه مال را فاقد جنبه ارزشی می‌داند و تنها جنبه اقتصادی برای آن قائل است. دوم اینکه این جنبه اقتصادی گاهی مستقیماً در اختیار شخص قرار داده می‌شود و زمانی انسان بدون زحمت تولید و مسئولیت مدیریت و تنظیم، از سود آن بهره می‌برد. زنان بدون آنکه عهده دار دخل و خرج شوند از منافع ثروت به صورت مهر و نفقه برخوردار می‌شوند. یعنی بهره مهم از آن زن، و تولید و مسئولیت مربوط به مرد است. پس کمبود برخی از موارد در سهم ارث زن می‌تواند به سبب دو اثر باشد: ۱. تحمیل هزینه زندگی زن بر شوهر و ۲. تحمیل مهر بر همسر (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۴۱) موسوی بجنوردی نیز می‌گوید، ارزش انسانیت به پول و پول دادن نیست. و این آیه «نمی‌خواهد بگوید ارزش مرد بیشتر است؛ بلکه به اعتبار اینکه مرد مسئولیت دارد این‌طور می‌گوید. ارث بیشتر به کسی می‌دهند که مسئولیت اقتصادی دارد. یعنی با حفظ قانون اینکه «مرد مسئولیت اقتصادی دارد»، به او بیشتر می‌دهند. در این مورد انسان احساس ناعادلانه بودن نمی‌کند.» (موسوی بجنوردی: ۱۳۸۳)

اما بحث دیگر این است که چه حکمتی داشته که اسلام رعایت جانب زن را در مسائل مالی کرده و مرد را به صورت خدمتکار بی‌مزد و اجرت برای زن و خانواده درآورده است؟ شکی نیست که اسلام نخواست به نفع زن علیه مرد و یا برعکس عمل کند، بلکه مطابق فطرت، طبیعت و قانون آفرینش، سعادت مرد و زن و فرزندان آن‌ها را که باید در دامن زن پرورش یابند در نظر گرفته است. این قانون آفرینش و جریان طبیعی میان همه جانداران است، که به دست توانا و تدبیر حکیمانه آفرینش انجام گرفته است. اگر سهم مرد و زن را در زندگی مورد توجه قرار دهیم، خواهیم یافت که سهم زن در شکل‌گیری نهاد خانواده و رنج او برای تدبیر درونی آن بیش از مرد است، چرا که زن دوران بارداری، درد زایمان و عوارض آن، فصل شیرخوارگی فرزند و پرستاری از او را تحمل می‌کند، از نیروی بدنی او کاسته می‌شود و توانایی وی در کار و تولید کاهش می‌یابد، با این شرایط منصفانه نیست که تأمین هزینه زندگی نیز برعهده او گذاشته شود. (شرفی، ۱۳۷۸) پس بنا بر تعالیم اسلامی مردان وظیفه نان‌آوری برای خانواده را برعهده دارند؛ علاوه بر این می‌بایست برای زنان در بدو ازدواج مهریه قرار دهند و در صورتی که زنان دستمزدی در ازای کار خانه طلب کنند، آن را نیز باید ادا نمایند. ولی زنان هیچ یک از این وظایف را برعهده ندارند. در نتیجه عادلانه است که سهم الارث مردان برای کمک به انجام وظایف فوق دو برابر باشد. (علاسوند، ۱۳۸۵: ۷۸)

اما آیا با این استدلال که اوضاع و احوال و مقتضیات زمانی تغییر کرده، بدین‌گونه که در جامعه آن روز زن حضور کم‌رنگی داشت و نمی‌توانست کار کند و فعالیت اقتصادی داشته باشد، اما امروز همان‌طور که مرد می‌تواند در همه جا حضور داشته باشد و فعالیت اقتصادی کند، زن هم می‌تواند می‌تواند در

این قانون تجدیدنظر کرد؟ از نظر موسوی بجنوردی اسلام همه جا می‌گوید بحث کنید. اصلاً همیشه با بحث و گفت‌وگو، حقیقت مشخص می‌شود. این اشتباه است که روی چیزی خط قرمز بکشیم. آیا از خدانشناسی و توحید چیزی بالاتر داریم. ائمه اطهار علیهم‌السلام با افرادی که منکر خدا بودند، بحث می‌کردند. (موسوی بجنوردی: ۱۳۸۳)

### مساله دیه

هر یک از زن و مرد که مرتکب قتل عمد شوند، طبق شریعت اسلامی، صاحبان خون حق دارند قاتل را قصاص کنند. با این تفاوت که اگر قاتل مرد باشد و مقتول زن، در صورتی که خانواده مقتول بخواهند مرد را قصاص کنند، می‌بایست نصف دیه یک مرد را پرداخت نمایند. همچنین اگر بخواهند در هر موردی دیه را بگیرند، دیه مرد دو برابر دیه زن است. در تبیین و توجیه این حکم اسلامی، مهم‌ترین دلیل این است که مساله دیه صرفاً یک امر اقتصادی است و ملاک ارزش گذاری انسان نیست، همچنان که در شریعت اسلامی حتی برای کشتن سگ نیز دیه تعیین شده است. بنابراین دیه یک حساب فقهی است و ارتباطی با اصول مذهب ندارد؛ چرا که مهم‌ترین و بالاترین شخصیت‌های اسلامی از نظر دیه با ساده‌ترین و پایین‌ترین افراد جامعه یکسان هستند. دیه یک مرجع تقلید و دیه یک کارگر ساده در اسلام یکی است. (علاسوند، ۱۳۸۵: ۹۴-۹۳) آیت الله جوادی آملی در کتاب "زن در آینه جلال و جمال" معتقد است معیار ارزیابی انسان در اسلام دیه نیست تا تمایز مرد و زن به آن خلاصه شود؛ بلکه دیه صرفاً بدلی مادی در برابر بدن مادی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۴۵) بنا براین دیه عامل تعیین ارزش انسان نیست و تنها ابزاری مادی است.

اگر تفاوت اثرگذاری زن را در شریان اقتصادی خانواده و جامعه به عنوان یک واقعیت بپذیریم روشن خواهد شد که لطمه مالی که در حاشیه کشته شدن مرد یا نیروی مولد و نان آور متوجه خانواده می‌شود بیش از لطمه مالی است که کشته شدن یک زن برای خانواده به وجود می‌آورد. نکته قابل توجه اینکه دیه به خانواده مرد داده می‌شود تا خانواده او در نبود مرد دچار مشکلات مالی نشوند. بنابراین شریعت اسلامی در این داوری رعایت زن و بچه‌های آن مرد را کرده است. (علاسوند، ۱۳۸۵: ۹۴) از امام عسگری (ع) در پاسخ به سوالی در مورد دیه زن و مرد نقل شده است که چون هزینه سنگین حضور در جبهه‌های جهاد و نقشه‌های خانواده و توان مالی اقوام فقط به عهده مرد است، دیه مرد دو برابر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۴۸) بنابراین چون مردها در مسائل اقتصادی بیشتر از زنان بازدهی اقتصادی دارند و بیشترین هزینه زندگی بر دوش آنهاست، دیه آنها نیز بیشتر است و این اصلاً به معنای ارزشمندتر بودن مرد نسبت به زن نیست. البته کمی دیه زن نسبت به مرد تنها به سبب ضعف توانایی‌های اقتصادی زن نیست تا گفته شود اکنون که زنان نیز در تولید و سودآوری



مانند مردان و گاه موفق‌تر از آنان شده‌اند پس باید دیه آنها مساوی باشد. در واقع کمی و زیادی درآمد در اصل دیه نقش ندارد، چنانچه کمی و زیادی فناوری و تولید در تساوی دیه مردان نقش ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۵۰) گفتنی است صرف‌نظر از اثر اقتصادی زنان و مردان برای خانواده و اجتماع، جان زن و مرد از منظر ارزشگزاری الهی کاملاً برابر است. طبق نص صریح قرآن کشتن هر انسانی اعم از زن و مرد از بزرگ‌ترین جرایمی است که ممکن است کسی مرتکب شود؛ چراکه کشتن یک فرد چه زن و یا مرد مساوی است با کشتن همه انسان‌ها (علاسوند، ۱۳۸۵: ۹۵).

### مساله حجاب

برخی‌ها مانند جریان فمینیسم، حجاب اسلامی را نوعی تبعیض قائل شدن بین مرد و زن می‌دانند. و می‌گویند زنان نیز مانند مردان باید برای تعیین نوع و شکل لباس خود حق انتخاب داشته باشند. آن‌ها می‌گویند «جامعه پادگان نیست که بتوان به تن همه یونیفورم واحد پوشاند.» در جواب این‌ها برخی‌ها یادآور می‌شوند فلسفه حجاب به منظور جلوگیری از تحریک جنسی جامعه است. علی‌مطهری به نقل از پدر بزرگوارشان آیت‌الله مطهری می‌گوید: بیش از آنکه خود زنان، آن هم گروهی از آنان، دم از این نوع آزادی (پوشش و حجاب) بزنند، مردان شکارچی هستند که سخن از آزادی زن و آزادزنان و آزادمردان می‌گویند و خواستار تساوی حقوق زن و مرد به معنی تشابه حقوق آن‌ها می‌شوند. علت آن هم روشن است: اگر بانوان با پوشش اسلامی و رعایت عدم اختلاط با مردان وارد جامعه شوند و به کار و فعالیت بپردازند، دیگر مردان شکارچی نمی‌توانند به نام آزادی زن علاوه بر همسر قانونی خود از ده‌ها زن دیگر کام بگیرند.<sup>۱</sup>

برتراند راسل می‌گوید: «اگر عکس‌های منافی عفت در سطح جامعه پخش شود، مردم پس از مدتی نگاه کردن به این عکس‌ها از آن‌ها زده می‌شوند. زنان نیز اگر مدتی در معرض دید باشند، رغبت مردان به مرور زمان نسبت به آن‌ها کم خواهد شد» (مطهری، بهار ۱۳۶۸: ۱۱۴) شهید مطهری در پاسخ به این استدلال می‌گوید «در بعضی از میل‌ها و غرائز که غریزه جنسی از آن دسته است این تمنا غالباً بصورت یک عطش روحی درمی‌آید، یعنی قناعت و پایان‌پذیری را در آن راه نیست. غریزه طبیعی را می‌توان اشباع کرد، اما تمنای کاذب خصوصاً اگر شکل عطش روحی به خود بگیرد، اشباع پذیر نیست» (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۷) نفس همچون طفل است که به پستان علاقه‌مند است. اگر او را به حال خود بگذاری با همین میل باقی می‌ماند و روز به روز ریشه‌دارتر می‌شود و اگر او را از شیر بگیری به ترک پستان خو می‌گیرد. از نظر استاد مطهری، اشتباه فروید و امثال او در این است که پنداشته‌اند تنها راه آرام کردن غرایز، ارضا و اشباع بی‌حد و حصر آن‌ها است. این‌ها فقط متوجه محدودیت‌ها و

۱. بنگرید به آدرس زیر: نشریه مستقل فرهنگی-دانشجویی مداد، <http://medaadmag.persianblog.ir/post/18>

ممنوعیت‌ها و عواقب سوء آن‌ها شده‌اند. طرحشان این است که برای ایجاد آرامش این گزینه باید به آن آزادی مطلق داد. این‌ها چون یک طرف قضیه را دیده‌اند، توجه نکرده‌اند همانگونه که محدودیت و ممنوعیت، گزینه را سرکوب و تولید عقده می‌کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات درآوردن، آن را دیوانه می‌سازد. (مطهری، بهار ۱۳۶۸: ۱۱۹)

برخی‌ها می‌گویند با وجود اینکه نماز بالاترین فریضه در دین اسلام است اما هیچ حکومتی نماز را الزامی نمی‌کند. پس چرا باید حجاب الزامی باشد؟ علی مطهری معتقد است این یک قیاس مع الفارق است. نماز یک امر فردی است گرچه آثار غیرمستقیم اجتماعی دارد، اما حجاب جنبه اجتماعی‌اش بر جنبه فردی‌اش غلبه دارد و دارای آثار مستقیم اجتماعی از قبیل تحکیم بنیان خانواده و افزایش نیروی کار جامعه است.<sup>۱</sup> به طور کلی فوایدی که برای حجاب ذکر شده عبارت‌اند از: آرامش روانی برای زن و مرد، پایداری خانواده، استواری جامعه، حفظ ارزش و شخصیت و مقام زن (موسویان، ۱۳۷۶)، کاهش خطا و خطر مصونیت زن در برابر طمع ورزی هوس بازان، گرم ماندن کانون خانواده و ...

### مشارکت در مسائل جامعه

بدون شک مشارکت سیاسی از منظر اسلام یک تکلیف بزرگ الهی بر دوش تک‌تک افراد جامعه است. با تأمل در مبانی مشارکت سیاسی می‌توان دریافت، در اسلام هیچ یک از این مبانی مختص به مردان نیست. با توجه به سخن پیامبر (ص) که فرمودند: «من أصبح و امس و لم یهتم بامور المسلمین فلیس منهنم» استفاده از واژه هرکس و نه هر مرد نشان از آن دارد که وجوب مشارکت سیاسی بر زنان نیز همچون مردان ثابت است. (عظیم زاده و خسروی، ۱۳۸۸: ۴۸) بنابراین جواز مشارکت سیاسی زنان و وجوب آن را می‌توان در سیره رسول اکرم (ص) و ائمه علیهم‌السلام جستجو کرد. از جمله می‌توان به بیعت زنان پیامبر اکرم (ص) در سه نوبت و بیعت زنان با حضرت علی (ع) در غدیر خم و نیز ایجاد فضای امن برای حضور زنان در اجتماعات سیاسی - عبادی همچون نماز جمعه و جماعت اشاره کرد. (علاسوند، ۱۳۸۵: ۱۳۴)

سخنانی از امام خمینی (ره) رهبر فقید انقلاب نیز نشان از وجوب و لزوم حضور زنان در مسائل و حوزه‌های مختلف جامعه دارد. برخی از فرمایشات ایشان در مورد نقش زن در مسائل جامعه عبارت‌اند از: همگان از زن و مرد باید در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی مشارکت کنند. (صحیفه نور، ج ۱۷: ۷۰) این که گفته می‌شود اسلام راه مشارکت زنان در جامعه را بسته یک حرف انحرافی و غلط است. زنان از همان صدر اسلام در امور مختلف حتی در جبهه جنگ هم حاضر می‌شدند (صحیفه نور، ج ۴: ۵۹) ساختن کشور وظیفه همگان اعم از زن و مرد است (صحیفه نور، ج ۱۱: ۲۵۴) در ج.آ.ایران

۲. نشریه مستقل فرهنگی-دانشجویی مداد، ۱۸/ <http://medaadmag.persianblog.ir/post/>

زن‌ها هم باید مثل مردان حق رأی داشته باشند (صحیفه نور، ج ۱۱: ۲۵۴) زنان باید در امور سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند. (صحیفه نور، ج ۱۸: ۲۶۴)

آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب نیز در جایی فرموده‌اند: ما معتقدیم زنان در هر جامعه سالم بشری قادرند و می‌باید فرصت پیدا کنند که در حد سهم خود تلاش و مسابقه خویش را در پیشرفت‌های علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره این جهان به عهده گیرند. از این جهت میان زن و مرد هیچ تفاوت نیست. هدف از آفرینش هر فرد انسان عبارت از همان هدف آفرینش بشریت است یعنی رسیدن به کمال بشری... فرقی هم بین زن و مرد نیست نشانه‌اش در درجه اول فاطمه زهرا (س) و در درجه بعد دیگر زنان بزرگ تاریخ است. (میرخانی، ۱۳۸۳) نکته مهمی که باید ذکر کنیم این است که مصادیق حضور زن در جامعه (مخصوصاً در مسائل سیاسی) با توجه به اوضاع و احوال و مقتضیات زمان توسط حکومت اسلامی تعیین می‌شود. برای مثال امام قدس سره در پاسخ به یک خبرنگار که از تحدید کامل مصادیق حضور زن در قدرت سیاسی سؤال می‌کند، چنین اظهار می‌دارند: «در مورد این گونه مسائل، حکومت اسلامی تکلیف را معین می‌کند و الآن وقت اظهار نظر در این زمینه‌ها نیست.» (افتخاری، ۱۳۸۰)

### مساله تعدد زوجات و ازدواج موقت

دین اسلام یک دین واقع‌نگر است و از این رو به واقعیت‌هایی که همواره به صورت مستمر در حاشیه یا متن زندگی بشر حضور دارند توجه داشته است. یکی از این مسائل تعدد زوجات و ازدواج موقت است. البته باید گفت شریعت اسلام پدیده تعدد زوجات را تأسیس نکرد، بلکه آن را نظم بخشیده و ضابطه‌مند نموده است و از این طریق آزادی بیش از حد مردان را محدود نموده و آن را منوط به شرایطی مثل اجرای عدالت نموده است. (علاسوند، ۱۳۸۵: ۷۳)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا.» «و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد دو دو سه سه چهار چهار به زنی گیرید پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید به یک [زن آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالک شده‌اید [اکتفا کنید] این [خودداری] نزدیک‌تر است تا به ستم گرایید [و بی‌هوده عیال‌وار گردید].<sup>۱</sup> علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه به تفصیل نکاتی را مطرح کرده است که به اختصار بیان می‌گردد. ایشان می‌گویند اسلام زیر بنای زندگی بشر و بنیان جامعه انسانی است در نتیجه به دنبال صلاح عقلی در سنن اجتماعی است و این پدیده به هیچ وجه مستلزم کشته شدن

<sup>۱</sup> سوره نساء، آیه ۳



عواطف و احساسات جنس زن و یا ابطال حکم موهبت‌های الهی و غرایز طبیعی نیست. همچنین خاصیت و عمر دستگاه تناسلی مردان برای تولید نسل به طور ذاتی بیش از زنان است، بنابراین طبیعت و خلقت به مردان اجازه داده تا از ازدواج با یک زن فراتر روند. علاوه بر این به گفته علامه طباطبایی شهوت مرد معادل با شهوت دو زن و سه زن است. نکته دیگر این است که یکی از مهم‌ترین مقاصد و هدف‌ها در نزد شارع اسلام زیاد شدن نسل مسلمانان و آباد شدن زمین به دست مسلمانان است.<sup>۱</sup> بنابراین از این جهت تعدد زوجات عاملی برای افزایش نسل مسلمانان است.

جالب است که برخی‌ها از گستردگی روابط آزاد و بدون هیچ قید و بندی در جوامع غربی معترض نیستند، ولی به رابطه‌ای قانونی که بر اساس توجه به واقعیت‌های طبیعت انسانی تجویز و ضابطه‌مند شده‌اند اعتراض دارند. برخی از این واقعیت‌ها عبارت‌اند از:

- وجود گزینه فعال و فراگیر جنسی که هیچ مرزی نمی‌شناسد.
- ازدواج برای مرد و زن کارکرد غریزی، عاطفی و اقتصادی دارد.
- همواره تعداد دختران و زنان آماده برای ازدواج بیش از تعداد مردان است. اما زمانی این مشکل چهره‌ای جدی به خود می‌گیرد که بدانیم بخشی از این زنان، زنان بیوه‌ای هستند که به طور جدی برای بقای زندگی سالم خود و فرزندان نیاز به حمایت ویژه‌ای دارند.

برای حل این مشکلات طبعاً سه راه در پیش است:

- سیاست‌ها به سمت ترویج روابط آزاد بدون هیچگونه چارچوب و ضابطه‌ای پیش رود.
- چشم را بر واقعیت‌های فوق ببندیم و حکم صادر کنیم که چاره‌ای نیست و باید تحمل نمود که در این صورت فقط صورت مسئله را پاک نموده‌ایم.
- با توجه به این واقعیت‌ها، راه میانه‌ای در پیش گیریم که به صورت ضابطه‌مند راه برای تعدد بعضی از زوجات یا ازدواج موقت باز شود. (علاسوند، ۱۳۸۵: ۷۵-۷۴)

برای داشتن جامعه‌ای سالم، مطمئناً راه سوم بهترین است. البته لازم است فرهنگ صحیح اجرای این روش در جامعه آموزش داده شود تا مقاصد و اهدافی که شرع مقدس اسلام از تشریح این احکام مورد نظر داشته لحاظ شود و احکام به دستاویزی برای هوسرانی تبدیل نشود. بنا براین مسئله تعدد زوجات در دین مبین اسلام با توجه به واقعیات و شرایط اجتماعی و غریزی جوامع انسانی طراحی شده است.

<sup>۱</sup>. تفسیر المیزان، جلد چهارم، تفسیر آیات ۲ تا ۶

## نتیجه

در این مقاله عدالت جنسی از منظر دین اسلام مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که آنچه برخی در مورد تبعیض جنسی در اسلام می‌گویند، از روی ناآگاهی و یا غرض ورزی است. در واقع اشتباه آن‌ها در این است که تساوی را با تشابه یکی گرفته‌اند. در حالی که عدالت واقعی هیچ وقت در تشابه نیست، بلکه در مراعات تفاوت‌هاست. گفته می‌شود باید در مورد زنان همان قواعد، قوانین و تکالیفی که در مورد مردان وجود دارد، مراعات شود، تا عدالت جنسی برقرار شود. در حالی که این دو جنس تفاوت‌های فیزیکی، روان شناختی، روحی و ... مهمی با هم دارند. اسلام می‌گوید زن و مرد با هم مساوی‌اند نه مشابه. یعنی این دو تفاوت‌هایی با هم دارند که باید مراعات شوند، و رعایت این تفاوت‌ها به هیچ وجه نشانه برتری یک جنس بر دیگری نیست.

گفته می‌شود که مثلاً چرا دیه مرد و زن یکسان نیست؟ چرا مردان بیشتر از زنان ارث می‌برند؟ چرا نباید زنان مثل مردان آزادی تعیین نوع پوشش خود را نداشته باشند؟ و از این قبیل سؤالات نتیجه گرفته می‌شود که در دین اسلام عدالت جنسی وجود ندارد. در حالی که قواعد و قوانین دین اسلام متناسب با فطرت بشر و واقعیات زیست انسانی است. اگر می‌بینیم دین اسلام مثلاً در بحث ارث، دیه یا حجاب بین مرد و زن تفاوت قائل شده، این حمل بر تبعیض و نابرابری نیست بلکه به خاطر واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی است.

## منابع

- قرآن کریم
- ابراهیمی، محبوبه، هویت برتر/ ارزش زن، مجله طوبی، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۷
- افتخاری، اصغر، «قدرت، جنسیت و شأن اجتماعی و سیاسی زن از دیدگاه امام خمینی»، مجله بازتاب اندیشه، ۱۳۸۰، شماره ۱۶
- آیت الله جوادی املی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، انتشارات مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷
- آیت الله سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶
- بهشتی، سهیلا، عدالت در کلام رهبری، مجله طوبی، آذر ۱۳۸۶، شماره ۲۵
- حسینی، ابراهیم، چرایی تفاوت حقوق زن و مرد، مجله پرسمان، مرداد ۱۳۸۲، شماره ۱۱
- حقوقی، عسگر، فلسفه سیاسی اسلام، جلد اول، نشر مشخص نیست، سال انتشار ۱۳۵۴
- حیدری، احمد، بزرگ زنان صدر اسلام، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۳
- ربانی خلخالی، علی، زن از دیدگاه اسلام، نشر حجت، ۱۳۹۹ هـ ق



- شرفی، حسین، شهید مطهری و حقوق زن در اسلام، مجله پژوهش‌های قرآنی، بهار و تابستان ۱۳۸۷، شماره ۱۷ و ۱۸
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه و خسروی، لیلا، مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب: حق مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان، نشر مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۸
- علاسوند، فریبا، زنان در موازنه حق و تکلیف، انتشارات بیطرفان، ۱۳۸۵
- فتاحی‌زاده، فتحیه، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، بوستان کتابقم، ۱۳۸۷
- لگنهاوزن، محمد، اسلام در رویارویی با فمینیسم، ترجمه نرجس جواندل، مجله بانوان شیعه، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۲
- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۲
- مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، انتشارات صدرا، اردیبهشت ۱۳۷۲
- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی جلد اول، انتشارات صدرا، چاپ چهاردهم: تابستان ۱۳۶۸
- مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، انتشارات صدرا، بهار ۱۳۶۸
- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۹
- موسوی بجنوردی، سید محمد، حقوق زن در اسلام، مجله بازتاب اندیشه، دی و بهمن ۱۳۸۳، شماره ۵۷ و ۵۸
- موسویان، مرضیه، فلسفه حجاب، مجله کوثر، شهریور ۱۳۷۶، شماره ۶
- میرخانی، عزت السادات، جایگاه زن در نهج البلاغه، مجله نهج البلاغه، بهار ۱۳۸۳، شماره ۹ و ۱۰
- نوری، یحیی، اسلام و عقائد و آراء بشری، یا، جاهلیت و اسلام، نشر نوید نور، ۱۳۸۷
- Alice Jardine, Simone de Beauvoir, Interview with Simone de Beauvoir, Signs, Vol. ۵, No. ۲, Winter, ۱۹۷۹ (pp. ۲۲۴-۲۳۶)

